

# مشاوری دینی

## در عرصه اقتصاد

بسیاری از کارشناسان مسایل اقتصادی، اقتصاد را یک علم تلقی کرده و آن را فارغ‌البال از ایدئولوژی و جهان‌بینی می‌دانند. در مقابل برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اقتصاد در زیربنایی‌ترین لایه‌های خود متأثر از ارزش‌ها و مبانی فکری جامعه می‌باشد و بر این اساس، گوناگونی مدل‌های توسعه را تابعی از تنوع فرهنگ‌ها، عقاید و ایدئولوژی‌ها می‌دانند. در این رساله دکتر حسن توانایان فرد تلاش می‌کند تا براساس روش شناختی دینی، الگویی از یک توسعه درون‌زا را ارائه دهد. همان‌گونه که ایشان در متن هم اشاره می‌کند، بی‌گمان چنین تلاش‌هایی به معنای آن نیست که راه‌حل‌های اتخاذشده را وحی منزل ببنداریم، اما چشم‌انداز چنین روندی می‌تواند طراحی یک الگوی توسعه متناسب با فرهنگ بومی ما را به‌دنبال داشته باشد. این نوشتار در سمینار اقتصاد اسلامی تحت عنوان 'تقوای اقتصادی و علم اقتصاد اسلامی' ارائه شده است، ولی از آن‌جا که تشخیص این نوشتار و بر مبنای ترسیم کردن روش شناخت متدلوژی دینی در عرصه اقتصاد صورت گرفته است، این مطلب را با عنوان 'متدلوژی دینی در عرصه اقتصاد' ارائه کرده‌ایم در این راه امید داریم سایر صاحب‌نظران ما را از نقد و نظرهای خود بی‌نصیب نگذارند.

### مقدمه

در این مقاله براساس پنج اصل بدیهی اسلامی، نظامی را بنا می‌نماییم که براساس آن، علم اقتصاد اسلامی نتیجه می‌شود. این پنج اصل عبارتند از 'حق'، 'قدر'، 'علم'، 'عدل' و 'تقوا'. سپس به تعریف علم اقتصاد و رابطه آن با نظام اقتصادی می‌پردازیم و طرز اشتقاق علم اقتصاد اسلامی از نظام اقتصادی را بیان می‌نماییم و در پایان به سه نوع تقوای اقتصادی یعنی تقوای اقتصاد خرد،

تقوای اقتصاد کلان و تقوای اقتصاد توسعه اشاره خواهیم داشت.

### بخش اول

اقتصاد ما عین اعتقاد ماست

در ابتدای سوره بقره آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم. الم. ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین.

قرآن مجید متقین را هدایت می‌کند و لذا تقوا لازمه هر هدایتی است که یکی از آن‌ها هدایت به سوی مهم‌ترین شعار اقتصادی در اقتصاد اسلامی است، یعنی این که 'اقتصاد ما عین اعتقاد ماست'. از همین آیه نتیجه شده است که متقین از قرآن هدایت پیدا می‌کنند و لذا اقتصاد قرآنی و اقتصاد اسلامی، اقتصادی است که بر پایه تقوا بنا شده باشد.

### ۱- تقوا

در تفسیر نمونه در معنای 'تقوا' آمده است:

'تقوا' حالت مخصوصی است که در ضمیر و وجدان انسان پدید می‌آید، در اعمال انسان اثر می‌گذارد، هماهنگی خاصی بین نیروهای درون و برون انسان ایجاد می‌کند، انسان را با خدا ارتباط می‌دهد و جدار بین عالم حس و جهان ماوراءالطبیعت را از بین می‌برد.

در لغت‌نامه دهخدا در معنای تقوا می‌خوانیم اصل تقوا بر دو معنی است، یکی ترسیدن و دیگری برهیز کردن و تقوای بنده از خداوند بر دو معنی است یا خوف از عقاب است یا از فرار.

تقوی صیانت نفس است که در چارچوب حق حرکت کند. به نظر ما واژه تقوا که از ماده 'وقایه' است به معنای صیانت نفس در چارچوب حق می‌باشد.

حق یعنی رابطه فطری که در هستی بین خالق و تمامی مخلوقات و بین خالق و انسان و بین

## گزیده‌ای از نظریات دکتر حسن توانایان فرد در سمینار اقتصاد اسلامی

انسان و انسان‌های دیگر و بین انسان و مخلوقات دیگر وجود دارد.

حفظ نفس به این که در چارچوب این رابطه فطری حرکت کند را تقوی گویند. حق آب دو مولکول هیدروژن است و یک مولکول اکسیژن. بنابراین اگر سه مولکول هیدروژن یا هر ترکیبی غیر از  $H_2O$  را انجام دهیم، در تولید آب به ناحق عمل کرده‌ایم و لذا به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. تنها عمل به حق است که در خلقت جواب می‌دهد...

این که در جامعه فقر و تورم وجود دارد، به این دلیل است که حق‌های اقتصادی به درستی تشخیص داده نمی‌شوند و در چارچوب آن‌ها سیاست‌گذاری انجام نمی‌گیرد و لذا به ثمره تقوا که تعادل اقتصادی و محور فقر و تورم (در این مورد مشخص) است، دست پیدا نمی‌کنیم...

اگر انسان در چارچوب قانون‌مندی‌های موجود در طبیعت، در کائنات، در انسان، در مادیات و معنویات حرکت کند، یعنی چارچوب و حدود و ثغور 'حق'های اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، پزشکی و سایر علوم مادی و روحی را تشخیص دهد (از طریق علم و وحی) و در آن چارچوب حرکت کند، هم در این دنیا به تکامل می‌رسد (تکامل افقی) و هم بعد از مرگ (تکامل عمودی) هم در بعد جسمی و مادی سعادت‌مند می‌شود و هم در بعد روحی و معنوی، چرا که تقوا چیزی نیست جز حرکت در چارچوب همین قانون‌مندی‌ها و همین حق‌ها و مراعات حدود و ثغور حق‌ها در تمامی زمینه‌ها...



مثلاً اگر از پله‌ها پایین نیایم و از پله‌های دیگر بالا نرویم و از این بام به بام همسایه با فاصله زیاد بپریم یک قانون‌مندی یعنی وجود قوه جاذبه و حنود و ثغور آن (فاصله بسیار کم بین دو پشت‌بام) را مراعات نکردیم و سقوط می‌کنیم. اگر ارتفاع کم باشد، دست و پامان می‌شکند و اگر فاصله زیاد باشد می‌میریم. این قانون‌مندی‌ها در ریزش و جزع‌جزع زندگی ما وجود دارد و باید تمامی آن‌ها را شناسایی کرده، مراعات نماییم. بسیاری از آن‌ها را علم روشن می‌کند و بسیاری که از این طریق ممکن نیست یعنی آن‌ها که مربوط به مسائل روحی و اخروی در روابط بین انسان با خدا و انسان با انسان است را وحی معین می‌سازد.

## ۲- حق

### رابطه ایمان با عقل به حق

از آن‌جا که در این مقاله بر آن هستیم عوامل مؤثر بر باورهای مذهبی از نظر اسلام را مورد مطالعه قرار دهیم، اجازه دهید حدیث زیر را که به رابطه بین ایمان و حق نظر دارد بیان نماییم.

قال علي عليه السلام: "كسبُ الايمان لزومُ الحقِّ و نصحُ الخلقِ"

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۷۲)

برای کسب ایمان باید به حق التزام داشت و مردم را نصیحت نمود.

به بیان دیگر ایمان در صورتی در جامعه افزایش پیدا می‌کند که ابتدا به کمک وحی، حق‌ها شناسایی شوند و سپس به مردم توصیه شود و برای آن‌ها امکانات عمل به حق‌های شناسایی شده فراهم آید، تا آن‌ها حق‌ها را به عمل درآورند و از این طریق عدالت مستقر گردد و تعادل در کلیه بخش‌های زندگی برقرار شود، آن‌گاه در بخش ایمان نیز تعادل به‌وجود آید. ما نمی‌توانیم در بخش اقتصاد و سیاست و اجتماعیات خود عدم تعادل داشته باشیم و توقع کنیم که در بخش ایمان مذهبی تعادل وجود داشته باشد.

در ایران کنونی، یکی از عوامل مهم در تضعیف باورهای مذهبی مردم وجود عدم تعادل در دو بخش اقتصاد و سیاست است. تا زمانی که در بازار ارز، در بازار کالا و سایر بازارها عدم تعادل وجود دارد و قیمت‌ها سرسام‌آور بالا می‌رود و حقوق‌ها و دستمزدها به آن نسبت افزایش پیدا نمی‌کند و به اصطلاح تورم چهار نعل می‌تازد و دستمزدها و حقوق‌ها لاک‌پشت‌وار حرکت می‌کنند، چگونه می‌توان از جوان یا بزرگسال توقع داشت که دارای تعادل ایمانی باشد.

توجه به حق‌ها و روش‌شناسی علمی جزء به کل



مجلس شورای اسلامی ایران شماره ۵

در روش شناسی علمی گفته می‌شود که باید با مطالعه از جزء جزء یک پدیده به شناخت کل آن پدیده رسید و این را عامل موفقیت غرب در پیشرفت فنی و علمی امروز آن می‌دانند. ما این را در دعای عرفات امام حسین(ع) [در کتاب بهره‌وری و حج] نشان داده‌ایم که می‌فرماید: "خدایا به من شناخت بن موهابیم را عطا کن، خدایا به من شناخت استخوان‌های درون بینی، زیر پوست لب و... را عطا بفرما.

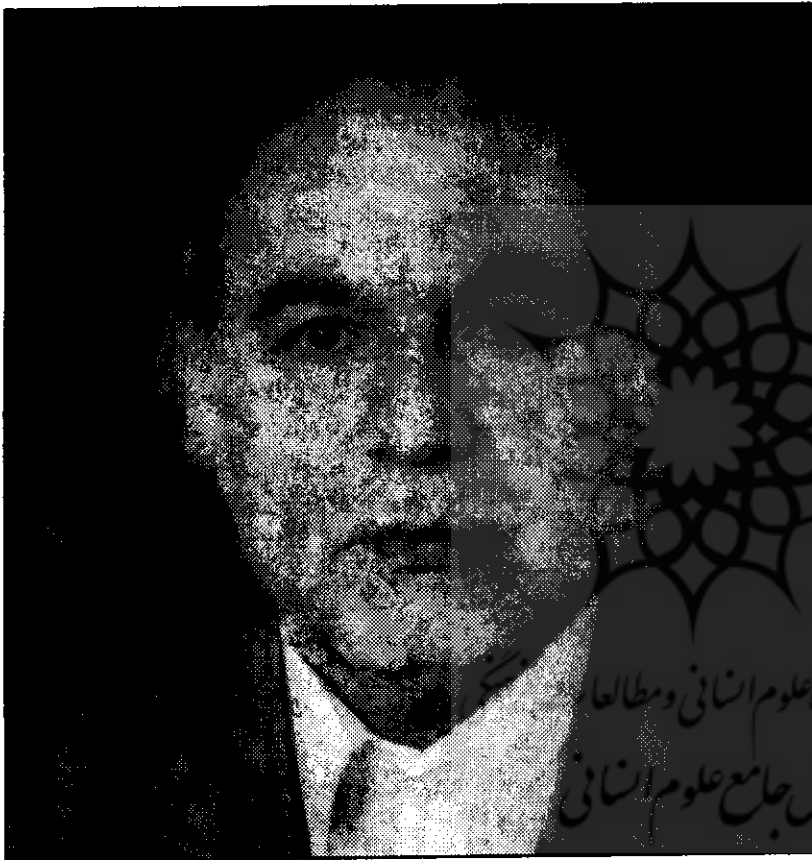
این نوع تحقیق و شناخت از اجزای یک پدیده، از جزء به کل، در آیات بسیاری از قرآن نیز وجود دارد، ولی متأسفانه ما مسلمین کمتر به آن پرداخته‌ایم و به همین دلیل همواره در کارهایمان با موفقیت روبه‌رو نبوده‌ایم.

پدیده و پدیده‌ها اعم از انسان و طبیعت و جامعه انسانی...

### حق و عمل صالح

عمل به حق در طبیعت و خصوصاً در امور اجتماعی، همان عمل صالح است. چرا که عمل صالح، یعنی کار صلاح‌آفرین. هر عملی که به تضاد و خصومت فرد با فرد یا فرد با جامعه یا طبیعت و پدیده‌های مادی با انسان منجر گردد، عمل غیرصالح است. کار ناصالح، عمل خصومت‌آفرین ستیزانگیزی است که وقایع را تخریب می‌کند و در ذات خود ضدیت با تقوای الهی دارد و لذا عمل ناصالح است...

برای مثال، اگر شماره تیرآهن برای سقف یک اتاق را با توجه به ابعاد آن به درستی کشف و



محاسبه کردیم و باصطلاح به حق در این زمینه دست یافتیم، سقف خراب نمی‌شود یا پل فرو نمی‌ریزد و وقایع برقرار شده، تقوای الهی در اثر یک عمل صالح ما تحقق پیدا کرده، شامل حال ما می‌گردد.

### اهل حق

... باید ابتدا حق شناسایی شود (از طریق علم و وحی) و سپس با عمل به آن حق است که عدل تحقق پیدا می‌کند.

"راغب" گوید: اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است. در "قاموس" ضدباطل، صدق،

توجه به حق‌ها و شناخت عملی هر حق، یعنی مطالعه روی اجزای یک پدیده از نزدیک و کشف قانون‌مندی و فرمول و راه‌کار آن، یعنی شناخت علمی آن پدیده سبب می‌شود علم عدل‌آفرین داشته باشیم. علم حق‌شناس سبب می‌گردد هر چیز را آن‌گونه که هست بشناسیم و مطابق فطرت طبیعی آن به عمل درآوریم که این یعنی عدالت متبلور در یک پدیده. تعادل در مجموعه پدیده‌ها به تعادل در جامعه منجر می‌گردد که به صیانت و وقایع پدیده‌ها و جامعه منجر می‌شود که این همان تقوای الهی است، یعنی محافظت از سلامت هر جزء یک پدیده و محافظت از کل

وجود ثابت و غیره گفته شده است. در 'مجمع' ذیل آیه ۷ از سوره انفال آمده است: حق آن است که شیئی در موقع خود واقع شود. سخن 'مجمع' عبارت آخری قول 'راغب' است.

پس معنای حق، مطابقت و وقوع شیئی در محل خویش است و آن در تمام مصادیق قابل تطبیق است. مثلاً در آیه: 'و مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ...' (نحل: ۳۶) مراد آن است که ضلالت در موقع خود واقع شد و گمراهی مطابق وضع آن‌ها گردید و اگر بگوییم ضلالت بر آن‌ها حتمی و ثابت شد باز درست است...

'قل هل من شركائكم يهدى الى الحق قل الله يهدى الحق...' (سوره یونس، آیه ۳۵) 'آیا آن چه (بت‌ها) شما شریک گرفته‌اید هدایت به سوی حق می‌کند؟ بگو الله به حق هدایت می‌کند.'

تفسیر میزان در ذیل آیه فوق‌الذکر می‌نویسد: '... حق، اعم از اعتقاد یا کردار یا گفتار، وقتی حق است که با سنت و شیوه‌ای که در نظام خلقت جریان دارد و فعل حق است مطابقت داشته باشد.'

به‌منظور دستیابی به حقاها در کلیه زمینه‌های حیات مادی و معنوی، باید تحقیقات وسیع علمی انجام شود. مثلاً در زمینه علم اقتصاد و در مورد حل مشکل تورم باید حقاها بسیار زیادی در زمینه ساختار اقتصاد ایران، عرضه، تقاضا، حجم نقدینگی، فرهنگ عمومی مردم و غیره را تشخیص داد و رابطه‌های مذکور وقتی شناخته شد با آن‌ها به‌گونه‌ای برخورد شود که تورم علاج پیدا کند. وقتی برای یک مسأله از یک رشته مثل اقتصاد که ده‌ها رشته به آن مربوط می‌شود، صدها دانشمند و محقق باید برای تشخیص حقاها بسیج شوند، ملاحظه می‌شود که برای تشخیص حقاها در کلیه رشته‌های علوم انسانی و علوم مادی و تجربی و غیره باید چه تعداد زیاد محقق بسیج شوند و چه میزان سرمایه‌گذاری باید انجام شود که اگر دولت ضرورت این امر را می‌داندست یا می‌خواهد که به حق عمل کند یا از باطل دوری نماید تا مشکلات مردم حل شود، چه مقدار به تحقیق و محقق ارج می‌گذاشت. نه مثل امروز که امر تحقیق مظلوم‌ترین امر در حکومت اسلامی می‌باشد.

'... يضرب الله الحق و الباطل فاما الزيد فيذهب جفاء و اما ينعف الناس فيمكث في الارض كذلك يضرب الله الامثال.' (سوره رعد، آیه ۱۷) '... خدا حق و باطل را چنین به هم می‌زند، کف به کنار افتاده نابود می‌شود، ولی چیزی که به مردم سود می‌دهد در زمین می‌ماند، خدا مثل‌ها را چنین می‌زند. علامه طباطبایی رحمت‌الله علیه در ذیل آیه شریفه آورده است که: 'راغب گفته است: باطل نقیض حق و به

معنای چیزی است که پس از واری کردن معلوم می‌شود ثابت نداشت، ... بنابراین باطلان هر چیزی بدین معنا است که انسان برای آن چیز یک نوع وجود و واقعیت فرض بکند، ولی وقتی با خارج تطبیقش می‌کند آن‌طور که فرض شده بود، نباشد و مطابق با خارج نگردد، و حق بر خلاف آن است و عبارت است از چیزی که فرضش با خارج تطبیق کند. بنابراین صفت حق و باطل دو صفتی است که در اصل مختص به اعتقاد (و فرض) بوده، و اگر غیراعتقاد را هم حق و باطل خوانده عینیتی به‌کار می‌برند.'

آن چه ما از این آیه می‌فهمیم این است که آن چه به مردم سود می‌رساند، در زمین باقی می‌ماند. بنابراین باور مردم به مذهب نیز تابع همین آیه است. در صورتی باور یک ملت به دین در زمین باقی می‌ماند و مردم آن را حفظ می‌کنند که برای آن‌ها نفع داشته باشد و اگر مذهب که قرار است برای مردم مفید باشد زبان عاید سازد، مردم آن را کنار می‌گذارند، چون حق مذهب این نیست.

خداوند ادیان الهی را توسط انبیا و رسل به این دلیل برای مردم مقرر داشته است تا به کمک آن زندگی دنیوی و اخروی خود را آباد سازند و اگر قرار باشد زندگی دنیای مردم را دین خراب کند، آن دین، 'حق' نیست و باطل است و باطل رفتنی است و لذا مردم خودبه‌خود نسبت به آن کافر می‌شوند. ولی اگر دین، دنیای مردم را آباد سازد (حسنة در دنیا بیافریند) مردم به آن روی می‌آورند و 'حسنة در آخرت' عایدشان می‌شود و به همین دلیل است که گفته‌اند: 'الدنيا مزرعة الاخرة' یعنی دنیا مزرعه آخرت است.

... اگر حکومت دینی واقعاً براساس دین عمل کند، یعنی 'حق‌ها' را شناسایی کرده، شرایط عمل به آن‌ها را توسط دولت و مردم فراهم آورد و به آن‌ها عمل کند، یقیناً عمل به حق‌ها، چون حرکت بر صراط مستقیم است به 'انعمت علیهم' متجر می‌گردد و نعم فراوان به‌وجود می‌آورد که این نعم، مردم را متعظم کرده و این نفع برای عموم سبب می‌گردد که مردم از حکومت راضی شوند و نسبت به عقیده حکومت نیز راضی باشند و باورهای مذهبی نه‌تنها به مرور زمان ضعیف نشود، بلکه روز به روز قوی‌تر نیز گردد.

اگر حق را قانون‌مندی‌ها و مکانیزم‌های فطری که خداوند در طبیعت و هستی اعم از جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان و جوامع انسانی قرار داده است بدانیم، افکندن حق یعنی برقرار کردن این مکانیزم‌ها و این قانون‌مندی‌ها که مثلاً فرمول آب H<sub>2</sub>O است و این حق آب را قبل از کشف، خدا می‌دانسته است و به همین دلیل می‌فرماید خداوند حق را می‌افکند یا برقرار می‌سازد و او علام‌الغیوب است یعنی این مکانیزم‌ها و قانون‌مندی‌ها، غیب است و خداوند

بسیار دانا بر آن است. بشر می‌تواند - چون از روح خدا در وی دمیده شده است - آن‌ها را کشف و به آن‌ها علم پیدا کند میلیون‌ها حق هست که هنوز بر بشر پوشیده است و علام‌الغیوب بر آن‌ها داناست...

### احادیث مربوط به حق

... گفتیم که حق عبارت است از قانون‌مندی‌ها و راه‌کارها و مکانیسم‌هایی که در طبیعت و انسان و روابط انسانی وجود دارد و علم به ما کمک می‌کند این حقاها را بشناسیم (وحی نیز در همین زمینه کمک می‌نماید). در حدیث زیر برداشت فوق به آشکاری تمام آمده است: العلم يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ : علم شخص را به سوی حق هدایت می‌کند.

### □ باید ابتدا حق

### شناسایی شود (از طریق علم

### و وحی) و سپس با عمل

### به آن حق است

### که عدل تحقق پیدا می‌کند.

أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ ذَلَّ لِلْحَقِّ فَاعْتَصَمَ مِنْ نَفْسِهِ وَ عَزَّ بِالْحَقِّ قَلَمَ يَهِنَ بِالْحَقِّ أَقَامَتَهُ وَ حَسَنَ الْعَمَلِ عَاقِلُ تَرْتِينَ مَرْدَمِ كَسَى اسْتِ كِهْ دَر مَقَابِلِ حَقِّ خَاشِعْ بَاشِدْ وَ اَزْ وَجُودِ خُودِ بَرَاىِ اَنْ مَایِهْ كُنَّارِدْ وَ خُودِ رَا بَهْوَسیلِهْ حَقِّ اَرْجَمَنْدِ سَازِدْ وَ اِقَامَهْ حَقِّ وَ عَمَلِ بَهْ اَنْ رَا كُوجَكْ نَشْمَارِدْ. مَنْ تَعَدَّى الْحَقِّ ضَاقَ مَذْهَبُهُ : كَسَى كِهْ اَزْ حَقِّ تَجَاوَزْ كَنْدْ رَاهِشْ بَرِ وِىِ تَنْگْ كَرِدِدْ. مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ مَالٌ اِلَيْهِ الْخَلْقُ : هَرْ كِهْ بَهْ حَقِّ عَمَلِ كَنْدْ مَرْدَمِ بَهْ سَوَىِ وِىِ مَتَمَایِلْ كَرِدِنْدْ.

### ۳- علم

علم عبارت است از شناخت و آگاهی یافتن به حقاها و قدرهای موجود در آن‌ها.

### رابطه قدر با علم

گفتیم که حق عبارت است از قانون‌مندی فطری درون خلقت، مثلاً  $SO_2 H_2$  یک قانون‌مندی است که در علم شیمی مربوط به ساختمان شیمیایی اسید سولفوریک می‌باشد. این حق اسیدسولفوریک از قذرها و اندازه‌ها تشکیل شده است. یعنی از ۴ واحد اکسیژن (O<sub>4</sub>) یک واحد گوگرد (S) و دو واحد هیدروژن. در حقاها مربوط به سایر علوم مثل حقاها سیاسی، حقاها اقتصادی، حقاها اخلاقی و



عبادی، حق‌های فردی، خانوادگی، فامیلی و... چنین قدرهایی وجود دارد که اگر از طریق کنکاش‌های علمی به آن‌ها دست پیدا کنیم قدرهای هر یک برای ما روشن می‌شود. حال اگر قدرهای یک حق را بدانیم، با مراعات آن‌ها می‌توانیم در مسیر آن حق حرکت کنیم و مطابق قانون‌مندی‌های فطری خلقت حرکت نماییم که این خود عین عدل است. بنابراین ما از طریق علم به قدرها دست پیدا می‌کنیم و با مراعات و عمل به آن‌ها حق‌ها را به‌جا می‌آوریم که این همان "استقرار عدل" و در زمینه حق‌های اقتصادی "استقرار قسط" محسوب می‌شود.

#### ۴- عدل

اگر ما قسط را عدل اقتصادی بدانیم، آن‌گاه با در دست داشتن تعریف عدل و عدالت می‌توانیم به تعریف قسط نیز دست پیدا کنیم. در تعریف عدل گفته‌اند: عدل یعنی قراردادن هر چیز به جای خود یا اعطای حق هر کسی به

### □ این‌که در جامعه فقر و تورم وجود دارد

به این دلیل است که حق‌های اقتصادی

به درستی تشخیص داده نمی‌شوند

و در چارچوب آن‌ها

سیاست‌گذاری انجام نمی‌گیرد و لذا به ثمره

تقوا که تعادل اقتصادی و محو فقر و تورم

(در این مورد مشخص)

است، دست پیدا نمی‌کنیم

صاحب آن حق، یعنی قانون‌مندی‌های فطری خلقت. این قانون‌مندی‌های فطری در سه رابطه وجود پیدا می‌کند:

- الف - رابطه بین انسان یا خدا = خدا شناسی.
- ب - رابطه بین انسان با خود = انسان‌شناسی و علوم معرفه النفس و علوم پزشکی.
- ج - رابطه بین انسان با دیگران و کائنات = علوم اجتماعی اعم از علم اقتصاد علوم سیاسی و غیره.

اگر انسان رفتار خود را براساس حق انجام دهد، عدل تحقق پیدا می‌کند. لذا عدل چیزی نیست جز مراعات قانون‌مندی‌های فطری و مراعات‌کننده قانون‌مندی‌های مذکور را عادل می‌نامند.

برای کشف حق‌ها یعنی شناخت قانون‌مندی‌های فطری دو ابزار وجود دارد یکی "وحی" و دیگری "علم". مثلاً از طریق علم شیمی

درمی‌یابیم که حق آب  $H_2O$  است، یعنی اگر دو واحد هیدروژن و یک واحد اکسیژن با هم ترکیب شوند آب بدست می‌آید. یا از طریق وحی درمی‌یابیم که بساط ستم و ستمگری دوام ندارد و به زودی واژگون می‌گردد.

در قرآن و اسلام بسیار تشویق به علم شده است. رمز آن همین است که جامعه به تعادل نمی‌رسد مگر به کمک عدل و عدل حاصل نمی‌شود مگر از طریق عمل به حق‌ها و حق‌ها شناخته نمی‌شود، مگر از طریق تلاش علمی.

در بسیاری از امور خصوصاً امور اجتماعی، علم از رسیدن به قانون‌مندی‌های فطری عاجز است یا در رسیدن به آن بسیار کند حرکت می‌کند. در این موارد، وحی حق‌ها را بیان می‌کند و انسان با عمل به آن‌ها به عدل دست پیدا می‌کند و در روابط اجتماعی خود به تعادل می‌رسد.

#### بحران جهان امروزی

عدم تعادل اقتصادی در جهان پیشرفته، یعنی وجود تورم و بیکاری در آمریکا، اروپا، ژاپن و سایر کشورهای صنعتی و همچنین وجود نوسانات اقتصادی، یعنی این‌که به‌طور دوره‌ای رکود و بحران در اقتصاد صنعتی و پیشرفته به‌وجود می‌آید و پس از چند سال دوره بهبود و رونق فرامی‌رسد و دوباره پس از چند سال بحران و رکود به‌وجود می‌آید. این نوسانات اقتصادی

در طول دوپست سال عمر اقتصاد سرمایه‌داری غربی مثل یک سرطان یا خوره، اقتصاد و معیشت غربیان و ژاپن و سایر کشورهای جدیداً صنعتی شده را می‌آزارد... بشر در جهان پیشرفته امروز هنوز به حق‌های اقتصادی دست پیدا نکرده است و لذا علم اقتصاد غربی نتوانسته است به استقرار عدل و عدالت در آن جوامع کمک کند و لذا در آن‌جا تعادل اقتصادی به‌وجود نیامده است.

در جهان سوم نیز وجود فقر، شکاف طبقاتی، غارت‌شدگی، تورم و غیره حکایت از عدم وجود تعادل در بخش اقتصاد دارد و این یعنی عمل نکردن به حق‌های اقتصادی. حق‌های اقتصادی از طریق تلاش‌های تجربی و علمی در اقتصاد ایران و همچنین عمل به اقتصاد قرآن و اسلام باید مورد شناسایی قرار گیرد تا با عمل به آن‌ها عدالت مستقر گردد و اقتصاد کشور به تعادل برسد.

وقتی حق آب  $H_2O$  است و علم شیمی این را کشف کند و اگر ما مطابق این فرمول عمل کنیم یعنی  $H_2$  را در جای خود قرار دهیم و  $O$  را در جای آن به عدل عمل کرده‌ایم و به آب می‌رسیم، در مورد وجود رشوه، فحشا، ربا، تورم، دزدی، طلاق و همه بدی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز اگر به عدل عمل کنیم همه‌چیز سامان پیدا می‌کند.

#### معنای قسط

همان‌طور که آمد اگر عدل، عدد ۱۰۰ باشد، قسط عدد ۹۹ خواهد بود. وقتی صد را داریم، نود و نه نزد ماست. به عبارت دیگر قسط در دل عدل قرار دارد.

حق‌های اقتصادی را در زمینه‌های زیر باید در هر زمان و در هر مکان مشخص کشف و به مردم معرفی نمود و حکومت باید امکان عمل به آن‌ها را توسط مردم فراهم آورد. این همان چیزی است که در سوره "حدید" آیه ۲۵ می‌خوانیم: "لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط... یعنی به‌درستی رسولان را فرستادیم با بینات و میزان و کتاب همراه آنان نازل کردیم تا مردم قسط را بر پا دارند. حق‌های اقتصادی توسط محققین در زمینه‌های زیر باید کشف گردد:

چه کالاها و چه خدماتی باید تولید شود؟  
 با چه روش و فنی باید کالاها و خدمات تولید گردد؟

چگونه این کالاها و خدمات باید توزیع گردد؟  
 طرز افزایش کارایی و بهره‌وری تولید چیست؟  
 مصرف باید چگونه انجام شود؟

۶- دولت و ملت چگونه و با چه سهمی روابط اقتصادی را شکل می‌دهند؟

مسلم است که در هر یک از زمینه‌های فوق ده‌ها و شاید صدها حق وجود دارد که باید با تلاش کشف و جهت انجام به مردم معرفی گردد. عمل به حق‌های مذکور عدل اقتصادی را محقق می‌سازد و "قسط" توسط "ناس" تحقق پیدا می‌کند.

#### معنای قسط و عدل

واژه "قسط" بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به‌کار می‌رود تا در این جهت هیچ‌گونه تبعیض نباشد که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنای عام دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقاید و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد که در مقابل ظلم است.

#### جمع‌بندی

براساس آن‌چه از آیات و احادیث و تفسیرهای آن که از کتاب تفسیر المیزان که مورد قبول

## □ توجه به حق‌ها و شناخت عملی هر حق، یعنی مطالعه

### روی اجزای یک پدیده از نزدیک و کشف قانون‌مندی و فرمول و راه‌کار

آن، یعنی شناخت علمی آن پدیده سبب می‌شود

علم عدل‌آفرین داشته باشیم. علم حق‌شناس سبب می‌گردد

هر چیز را آن‌گونه که هست بشناسیم و مطابق فطرت طبیعی آن

به عمل درآوریم

عموم است  
آوردیم،  
می‌توانیم ادعا  
کنیم که  
سیستم  
پیشنهادی ما  
در مورد ارتقای  
باورهای  
مذهبی بر

چهار اصل پذیرفته شده در فرهنگ اسلامی قرار دارد که عبارتند از حق، علم، عدل و تقوا. این چهار اصل در متون دینی ما به‌قدری فراوان مورد تأکید قرار گرفته‌اند که می‌توان آن‌ها را اصول بدیهی دینی اسلامی به حساب آورد ... مضافاً این‌که رابطه علی آن‌ها از نظر عقلی و منطقی نیز کاملاً مورد پذیرش اهل خرد است در همین‌جا لازم به تذکر است که آن‌چه آمد و آن‌چه مفصل‌تر در فصول بعد می‌آید صرفاً برداشت‌های شخصی از مباحث دینی و متون مذهبی است و به هیچ‌وجه در دایره "این است و جز این نیست" نمی‌گنجد.

### علم اقتصاد اسلامی مبتنی بر قسط

امروزه بشر در تمامی جهان از نظر داشتن یک سیستم اقتصادی مبتنی بر علم که بتوان با عمل به آن به عدل اقتصادی (قسط) و از آن‌جا به تعادل اقتصادی دست پیدا کرد در جهل مرکب به سر می‌برد. تلاش‌های باصطلاح علمی اقتصادی که در سطح جهان انجام می‌شود نیز در گسترش و تعمیق این جهل انجام می‌شود. چه بسیار دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و تحقیقاتی که در سراسر جهان بودجه‌های کلان برای تدریس و تحقیق خرج می‌کنند تا سیستم غلط و ظلم‌آفرین سرمایه‌داری جهانی را بزرگ کنند و زبان‌های آن را به شکلی توجیه نمایند. در واقع امروزه تحقیقات و آموزش‌های باصطلاح علمی در چارچوب اقتصادی در راه گسترش ظلم و جور سرمایه‌داری جهانی انجام می‌شود و چون گفتیم علم واقعی عدل‌آفرین است، لذا ظلم و جور زاینده جهل است و می‌توان گفت که بودجه سنگین تحقیقات و آموزش‌های علمی در چارچوب اقتصادی جهان امروز در راه تعمیق و گسترش جهل سیستمی - در چارچوب اقتصادی - هزینه می‌شود...

### معنای سیستم اقتصادی

در تعریف سیستم اقتصادی گفته شده است که سیستم اقتصادی چنان سیستمی است که به پنج سؤال زیر پاسخ می‌دهد.

۱- ابزار تولید (مثل زمین، کار، سرمایه و مدیریت) به چه کسی تعلق دارد یا مالکیت ابزار تولید از آن چه فرد حقیقی یا حقوقی می‌باشد؟

۲- قیمت کالاها و خدمات در یک جامعه یا در سطح جهان چگونه تعیین می‌گردد؟

۳- قیمت عوامل تولید چگونه تعیین می‌شود؟ یعنی اجاره، دستمزد، بهره، سود چگونه و در چه حدی تعیین می‌شود؟

۴- دامنه فعالیت فرد در اقتصاد چیست و تا چه حدی است؟

۵- دامنه فعالیت دولت در چه حد می‌باشد؟

در زمان ما چهار سیستم اقتصادی در جهان وجود دارد، یعنی به سؤالات پنج‌گانه فوق‌الذکر چهار نوع پاسخ داده شده است.

الف - نوع اول پاسخ سرمایه‌داری می‌باشد که می‌گوید مالکیت ابزار تولید به بخش خصوصی تعلق دارد، قیمت‌ها را مکانیسم عرضه و تقاضا مشخص می‌کند، دامنه فعالیت اقتصادی افراد - یعنی بخش خصوصی - بی‌نهایت است و دامنه فعالیت اقتصادی دولت آن‌قدر محدود است که به صفر نزدیک است و دولت صرفاً نقش پلیس و ژاندارم را در جامعه دارد. این سیستم در آمریکا، اروپا، ژاپن و اغلب کشورهای جهان سوم دایر است.

ب - سیستم سوسیالیسم، نوع دوم پاسخ به پنج سؤال مذکور است. از نظر این سیستم، مالکیت ابزار تولید از آن دولت است، قیمت کالاها و خدمات و قیمت عوامل تولید را دولت مشخص می‌کند، دامنه فعالیت فرد در اقتصاد محدود و دامنه فعالیت دولت در اقتصاد نامحدود است. این سیستم در کشور شوروی سابق، در چین کمونیست و در کوبا و کشورهای اروپای شرقی قبل از فروپاشی شوروی سابق وجود داشت.

ج - نوع سوم پاسخ از آن سیستم اقتصاد مختلط است. این سیستم جمع بین دو سیستم مذکور می‌باشد. یعنی در بخش فعالیت‌های عام‌المنفعه مثل آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و اموری از این قبیل دولت فعال مایشاء است و در بخش‌های دیگر سرمایه‌داری حاکم می‌باشد. این سیستم در کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد و نروژ و دانمارک وجود دارد.

د- نوع چهارم، پاسخ دینی است. این پاسخ به نوبه خود به چهارگونه است:

۱- سرمایه‌داری اسلامی

۲- سوسیالیسم اسلامی

۳- راه میانه اسلامی که جمع بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم به سبک مسلمان ایرانی است.

۴- راهی که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت.

۵- انواع تقوا

وقتی رابطه تقوا با حق و حقوق روشن شد به

سادگی می‌توان دید که در قرآن مجید به حقوق مختلف اشاره شده است و لذا می‌توان نتیجه گرفت که تقوا نیز انواع مختلف دارد؛ تقوای الهی (رابطه انسان با خدا) که بیانگر حقوق خداوند بزرگ نسبت به انسان و حقوق انسان نسبت به خالق است، تقوای شخصی (در رابطه با حقوق شخصی)، تقوای جمعی (در رابطه با حقوق جمعی)، تقوای اخلاقی (در رابطه با حقوق اخلاقی)، تقوای اقتصادی (در رابطه با حق‌های اقتصادی)، تقوای سیاسی (در رابطه با حقوق مردم نسبت به دولت و حقوق دولت نسبت به مردم که اگر این حقوق به درستی براساس قرآن مجید و وحی شناخته شود با حق‌های سیاسی یکی خواهد بود)، تقوای فرهنگی (در رابطه با حق‌های فرهنگی)، تقوای نظامی (در رابطه با حق‌های نظامی) و...

### ایستایی و پویایی تقوا

قرآن مجید می‌فرماید: انا لله و انا الیه راجعون (بقره: ۱۵۶) یعنی به‌درستی که ما از خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم. چون خداوند کمال مطلق است، بازگشت به سوی او یعنی حرکت در مسیر کمال و به سوی هدف تکامل. وقتی حرکت ما یک حرکت تکاملی آن‌گونه که قرآن مجید می‌گوید فرض شود به‌سادگی درمی‌یابیم که در رابطه با ما همه‌چیز تغییر می‌کند تا با شرایط جدید تکاملی سازگاری پیدا نماید.

بنابراین حق‌ها در تمامی موارد ثابت نیستند. تغییر حق‌ها سبب می‌گردد که تقوا از حالت ایستایی به حالت پویایی در آید. برای مثال، تا دیروز حق در مورد محاسبه آمار و ارقام یک مغازه کوچک خواروبارفروشی استفاده از چرتکه بود و امروز در مورد محاسبه آمار و ارقام فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای استفاده از کامپیوتر می‌باشد. حسابدار فروشگاه زنجیره‌ای اگر از چرتکه استفاده کند به ناحق عمل کرده و ماهیت فطری ذاتی محاسبات واحدهای بزرگ و کلان را در نظر نگرفته و لذا به علت این بی‌تقوایی فنی عاقبت امر او (در کار محاسباتی و حسابداری) ختم به خیر نشده و به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. ولی تشخیص حق و عمل به آن (در این مورد استفاده از کامپیوتر) سبب می‌گردد عاقبت امر (به جهت مراعات تقوای فنی) به خیر



چشم‌انداز ایران شماره ۴

ختم گردد... در کلیه امور، حق‌ها در حال تغییر هستند و لذا تقواها پویا می‌باشند. به عبارت دیگر، زمان در تقوا اثر دارد.

## زمان و تقوی

تقوا ممکن است از نظر افقی با زمان در رابطه قرار گیرد، مثل این‌که بگوییم چون جمعیت افزایش پیدا کرده است، استفاده از کامپیوتر در محاسبات آماری لازمه تقوای فنی محسوب می‌شود، یعنی تا صد سال قبل چرتکه ابزار مناسب محاسبات مالی بود و امروز کامپیوتر است. ولی تقوا در رابطه عمودی با زمان نیز قرار می‌گیرد، به این بیان که مراعات تقوا در طول زمان سبب می‌گردد که تعالی در حق‌ها به‌وجود آید و لذا تقوا مراتب بالاتری پیدا می‌کند به تعبیر آخرتی، هر چه تقوا بیشتر شود مراتب بهشتی بودن انسان بیشتر می‌شود.

## تقسوا

این‌که قرآن مجید به تقوا اشاره دارد و نه به انواع تقواها، به این علت است که اولاً تقوا در هر زمان بسیار متنوع است و ثانیاً تقوا براساس اصل پویایی در زمان‌های مختلف، متغیر می‌باشد و ایجاز و بلاغت و منطلق اقتضا می‌کند که به صورت کلی از تقوا سخن به میان آید ولی چون حق‌ها مثل قدرها (اندازه‌ها) متعدد است لذا باید دانست که تقواها متعدّدند (همچنان‌که گفته آمد) و تنها فلاح در صورت مراعات کلیه حق‌ها و داشتن تقواهای مختلف حاصل می‌شود. به این دلیل است که می‌بینیم در یک جامعه ممکن است تقوای عبادی، اخلاقی، فردی مراعات شود، ولی جامعه مذکور در جهنم فقر و ناداری و جنگ و خونریزی و درد و غیره بسوزد، چرا؟ چون به تقوای اجتماعی، تقوای اقتصادی، تقوای سیاسی، تقوای نظامی در آن جامعه عمل نمی‌شود.

## تقوای اقتصادی مهم‌ترین نوع تقوا

خداوند در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... ما رسولان خود را به‌دروستی که با دلایل آشکار فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قسط را بر پا دارند...

براساس این آیه شریفه، یکی از مهم‌ترین اهداف انبیا الهی این بوده است که مردم بین خود روابط اقتصادی عادلانه برقرار سازند. قسط از ماده قسطاس، به معنای "ترازو"، یعنی عدل اقتصادی...  
۱- تقوای اقتصادی خُرد

اقتصاد خُرد، کنش‌های اقتصادی و رفتار واحدهای انفرادی و گروه‌های کوچک واحدهای اقتصادی انفرادی را به بحث می‌گیرد.

در تئوری‌های اقتصادی خُرد، سخن از این به میان می‌آید که سلول‌های مختلف اقتصادی جامعه چگونه‌اند و به این که چگونه واحدهای مختلف اقتصاد مانند هزاران مصرف‌کننده، هزاران تولیدکننده و بنگاه تولیدی، هزاران کارگر و عرضه‌کننده منابع، فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام داده، به مواضع تعالی دست پیدا می‌کنند.

به بیان دیگر در اقتصاد خُرد، گویی یک نوع مطالعه میکروسکوپی اقتصاد انجام می‌گیرد، زیرا در اقتصاد خُرد تعادل واحدهای بی‌شمار اقتصادی به‌طور تک تک مورد بررسی قرار می‌گیرد و ارتباط درونی آن‌ها با یکدیگر مشخص می‌شود. برای مثال، در اقتصاد خُرد، تقاضای یک فرد مصرف‌کننده را برای یک کالا مورد مطالعه قرار می‌دهیم و از آن‌جا تقاضای بازار کالای مذکور را مشتق می‌سازیم. همین‌طور، اقتصاد خُرد رفتار یک بنگاه تولیدی را در مسأله تعیین قیمت و محصول و واکنش آن را نسبت به تغییر شرایط عرضه و تقاضا مورد مطالعه قرار می‌دهد. سپس به ایجاد رابطه تعیین قیمت در بنگاه‌های تولیدی در یک صنعت می‌پردازد.

بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد خُرد بر آن است تا مکانیزمی را معین سازد که به‌وسیله آن کلیه واحدهای اقتصادی بتوانند به حالت تعادل برسند.

تعادل از این راه از یک واحد تولیدی آغاز می‌شود و به گروه تولیدی معین ختم می‌شود... تئوری قیمت‌گذاری محصولات و قیمت‌گذاری عوامل تولید دو شاخه اصلی اقتصاد خُرد می‌باشد. مسلم است که تقاضا در تعیین قیمت محصولات و عوامل تولید مؤثر است. لذا در اقتصاد خُرد رفتار مصرف‌کننده و رفتار تولیدکننده به‌عنوان تقاضاکنندگان و عرضه‌کنندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخه دیگر اقتصاد خُرد از کارایی تخصیص عوامل تولید سخن می‌گوید. این کارایی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- کارایی در تولید

۲- کارایی مصرف

۳- کارایی مجموع اقتصاد

در کارایی مصرف سخن از روش‌های توزیع مقدار معین کالا بین مردم به میان می‌آید. به‌گونه‌ای که حداکثر ارضای نیازهای مردم تحقق پیدا کند. اما کارایی مجموع اقتصاد سخن از این دارد که چه کالاها و خدماتی تولید شود که بیشترین مطلوبیت را برای مردم داشته باشد؟ به بیان دیگر، شکل تولید (مقدار کالاها و خدمات تولیدشده) باید با شکل مطلوب مصرف مطلوب مطابقت داشته باشد. حتی اگر کارایی تولید و مصرف کالا تحقق یابد، باز هم ممکن است که کالاهایی را که مردم بیشتر ترجیح می‌دهند، تولید نشود و بالعکس.

کوتاه سخن این‌که کارایی مجموع اقتصاد (جهت مطلوب تولید) زمانی تحقق پیدا می‌کند که تخصیص منابع تولید بین کالاهای مختلف به‌گونه‌ای انجام شود که حداکثر ارضای نیازهای مردم را برآورده سازد. مباحث مربوط به کارایی اقتصادی در رشته‌ای از علم اقتصاد به نام اقتصاد رفاه مطرح می‌شود که شاخه‌ای از اقتصاد خُرد نیز محسوب می‌شود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که چهار سؤال اساسی (از شش سؤال علم اقتصاد در اقتصاد خُرد و دو سؤال دیگر در اقتصاد کلان مورد بحث قرار می‌گیرد. این سؤالات عبارتند از:

۱- چه مقدار، از چه کالایی و چه قیمتی باید تولید شود؟

۲- چگونه و با چه روشی باید تولید شود؟

۳- کالاها و خدمات تولید شده چگونه توزیع و مصرف می‌شود؟

۴- آیا تولید و توزیع کالاها و خدمات تولید شده با کارایی تمام همراه بوده است؟

دو سؤال مربوط به اقتصاد کلان عبارتند از:

۵- آیا عوامل تولید قابل دسترس با ظرفیت کامل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است یا بیکاری وجود دارد؟

۶- آیا ظرفیت تولید اقتصاد افزایش یابنده، کاهش یابنده یا در طول زمان ایستا می‌باشد؟

## ۲- تقوای اقتصاد کلان

آیا عوامل تولید با ظرفیت کامل مشغول به کار هستند؟

براساس آن‌چه آمد، مهم‌ترین مسأله مورد بحث اقتصاد کلان بحث اشتغال و بیکاری است. از آن‌جا که خواسته‌ها و تقاضاهای مردم برای کالاها و خدمات، گوناگون و بسیار زیاد است و متأسفانه عوامل تولید آن‌ها بسیار کم، لذا باید کوشید تا از ظرفیت تولیدی این عوامل به‌طور کامل استفاده شود. حالتی را که در آن حالت از ظرفیت کامل عوامل چهارگانه تولید (یعنی کار، زمین، سرمایه و مدیریت) بهره‌برداری می‌شود، حالت اشتغال کامل می‌گویند.

به‌منظور مراعات تقوای اقتصادی در بخش اقتصاد کلان، باید به سؤالات زیر پاسخ داد:

۱- سهم مزد از درآمد ملی چه میزان باید باشد؟

۲- سهم اجاره از درآمد ملی چه میزان باید باشد؟

۳- سهم سود از درآمد ملی چه میزان باید باشد؟

۴- نقش زکات در پرداخت پاداش سرمایه چه میزان باید باشد؟



- ۵- به منظور از بین بردن تورم چه حقیقی در تورم وجود دارد که باید شناسایی شود تا با اجرای آن‌ها تورم به صفر برسد؟
- ۶- رشد اقتصادی چه میزان باید باشد و حقیقی‌های مستتر در آن چیست؟
- ۷- حقیقی‌های موجود در اشتغال چیست، ناحقی‌های موجود در بی‌کاری کدامند، تا با اجرای اولویت‌ها اقتصاد به حالت تعادل در آید؟
- ۸- چه نوع سرمایه‌گذاری‌هایی حق است و توسط چه نهادهایی؟
- ۹- برای اجتناب از بیماری نوسانات اقتصادی که در جهان سرمایه‌داری امروز وجود دارد، چه ناحقی‌هایی باید در آن‌ها شناسایی و از آن اجتناب گردد و چه حقیقی‌هایی باید در اقتصاد کشور اسلامی شناسایی شده به اجرا درآید؟
- ۱۰- درآمدها و اتفاقات و صدقات هر کدام چه حقا و چه تفواهایی را دارا هستند؟

### قرآن مجید و اقتصاد کلان

آیه ۷۳ سوره قصص. و مِنَ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتُبَيِّنَ لَكُمْ أَزْوَاجَهُنَّ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ آيَاتِهِ وَيَعْلَمَ مَا تَكْتُمُونَ وَرَحْمَتُ اللَّهِ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

از رحمتش برای شما شب و روز را قرار داد تا در شب بیارامید و در روز به کار اقتصادی بپردازید.

در این آیه شریفه، وظیفه انسان‌ها در روز به دنبال فضل خدا رفتن است. در ابتدای آیه از رحمت خدا سخن به میان می‌آید که بخشندگی خدا در صورتی شامل حال شما می‌شود که به بیکاری و تن‌پروری نپردازید و به کار و کوشش و تلاش و آبادانی بپردازید.

آیه ۱۰ سوره جمعه. فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ، سَبَّحْ تُبَّحًا فِي يَوْمِ مَا خَلَقَ الْبَشَرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَتَذَكَّرَ لَكُمْ يَوْمَ تَأْتِي سَاعَةُ يَوْمَ لَا تَجِدُ أَصْفَادًا وَسِعَ رَبُّ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا يُغْنِي عَنْكَ كَثْرَةُ ثَمَرِكَ إِذَا هَلَكَ نَبْتُ لِمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پایان یافت نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجویید از فضل خدا.

سوره حجر: آیات ۲۰ و ۱۹. وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ، وَزَمِينًا لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ... وَرَقْرَقًا يُرْوَى لَكُمْ فِيهَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمْ مِنْهَا وَتَجَارِعُهَا لِيَبْغِيَ الَّذِينَ يُبْغُونَ وَاللَّهُ جَعَلَ الْأَرْضَ رِجَالًا وَمِجَالًا لِّئَلَّا تُؤْتُوا عِلْمًا وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

گسترده‌گی زمین اعم از افقی و عمودی (معادن و هوا) محل و انبار منابع طبیعی و عوامل تولید است که باید بشر از تمامی آن‌ها استفاده کند و به حداقل استفاده از آن اکتفا نکند که زمین گسترده است و باید توجه به این گسترده‌گی داشت... معایش نیز اشاره به تنوع محصولات و کالاها و خدمات مورد نیاز و وسیله زندگی و حیات دارد که باید آن‌ها را فراهم آورد. به علاوه، معایش اشاره به تنوع محصولات و کالاها و خدمات دارد که باید تولید کرد و مصرف نمود.

خداوند بزرگ در آیه ۳۴ سوره ابراهیم می‌فرماید:

وَأَنبِئْهُمْ أَنَّ مَالَهُمْ كَالرِّيحِ الَّتِي نَسْفَعُهَا حَيْثُ نَشَاءُ وَهِيَ لَا تَأْتِي الْبُرُوجَ وَاللَّهُ يَتَذَكَّرُ لَكُمْ يَوْمَ تَأْتِي سَاعَةُ يَوْمَ لَا تَجِدُ أَصْفَادًا وَسِعَ رَبُّ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا يُغْنِي عَنْكَ كَثْرَةُ ثَمَرِكَ إِذَا هَلَكَ نَبْتُ لِمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

این آیه شریفه به بشر اطلاع می‌دهد که خداوند بزرگ برای بندگانش آن‌چه را مورد نیاز

آن‌ها می‌باشد، فراهم ساخته است، ولی به دو علت کمبود اقتصادی رخ می‌دهد؛ اول این‌که انسان بسیار ستم‌کار است و دوم این‌که به شدت کافر است. ستم‌کاری انسان به عامل توزیع مربوط می‌شود انسان‌هایی پیدا می‌شوند که از شرایط خاصی که پیدا می‌کنند سوءاستفاده کرده و دیگر انسان‌ها را مورد استثمار قرار می‌دهند. ظلم به انسان دیگر یعنی ندادن حق او از سهم تولید ملی کشور، یعنی نپرداختن رزق وی، یعنی فقیرساختن توده‌ها. این ظلم سبب می‌گردد که تولید شکوفا نشود و کمبود کالا در جوامع رخ دهد و تورم و گرسنگی، انسان‌ها را بیازارد.

در مورد کفار بودن انسان نیز باید به تن‌پروری، بیکار گشتن و به دنبال علم نرفتن اشاره کرد و کاهلی انسان را عامل کفر ورزیدن و پوشانیدن منابع موجود در طبیعت و عدم استخراج و استخدام آن‌ها و عدم اشتغال کامل آن‌ها دانست. در این زمینه مسأله بیکاری مطرح می‌شود که خود ناشی از عدم شناخت دهه‌ها حق در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید در جامعه می‌باشد. پاره‌ای از این حقوق عبارتند از:

- ۱- چرا باید تنها از یک ششم زمین‌های قابل کشت در مملکت استفاده شود و سیاست‌هایی پیش گرفته شود که مهاجرت از روستاها به شهرها همچنان ادامه یابد و روز به روز از کار کشاورزی کاسته گردد؟
- ۲- چرا باید زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها روز به روز بیشتر و بیشتر به زمین‌های مسکونی تبدیل شود و اطراف شهرهای بزرگ زمین‌های کشاورزی تخریب و مهاجرین روستایی بیکار یا بیکار پنهان در آن‌ها اسکان پذیرند؟
- ۳- چرا باید تنها از یک پنجم آب‌های قابل استفاده بهره‌برداری شود؟
- ۴- چرا باید روستاییان از خدمات فرهنگی، بهداشتی پایین برخوردار باشند که انگیزه فرار از روستا را شدت می‌بخشد؟
- ۵- چرا باید در روستاها مشاغل کشاورزی صنعتی به‌وجود نیاید تا ایرانی نه‌تنها محصولات زراعی ایرانی مصرف کند بلکه صادرکننده آن به خارج نیز باشد؟
- ۶- چرا باید تسهیلات کشاورزی را به آسانی در اختیار روستاییان نگذارند که روستایی برای اخذ یک وام کم، خون به دل شود. از کار زراعی توبه و به شهرها مهاجرت کند؟
- ۷- چرا در قیمت‌گذاری محصولات و در حفظ رابطه عادلانه بین قیمت مواد اولیه و محصول زراعی اقدام درست انجام نمی‌شود که روستایی ضرر نکند و به شهر هجوم نیاورد؟
- ۸- چرا سرمایه‌گذاری‌های رفاهی، شهری، آموزشی، بهداشتی در شهرهای بزرگ انجام می‌شود تا قطب جاذبه روستاییان و اهالی شهرهای کوچک شوند و تهران و سایر شهرهای

□ آن‌چه به مردم سود می‌رساند، در زمین باقی می‌ماند. بنابراین باور مردم به مذهب نیز تابع همین آیه است.

در صورتی باور یک ملت به دین در زمین باقی می‌ماند و مردم آن را حفظ می‌کنند که برای آن‌ها نفع داشته باشد و اگر مذهب که قرار است برای مردم مفید باشد زیان عاید سازد، مردم آن را کنار می‌گذارند، چون حق مذهب این نیست.

بزرگ بی‌قواره و نامتناسب رشد کند؟

۹- چرا سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه تحقیقات و توسعه به شوخی گرفته شده است و به صورت کاریکاتور در آمده و هر چه فریاد زده می‌شود که به تحقیقات به صورت جدی بپردازید، می‌گویند بلی، ولی کار خودشان را جلو می‌برند و همچنان ایران از این ابزار مهم محروم است؟

۱۰- چرا سرمایه‌گذاری‌ها در بخش دولتی برای گسترش علم و حذف کنکور جدی گرفته نمی‌شود، تا تمامی استعدادهای امکان استفاده از تحصیلات عالی داشته باشند و نوابغ ظهور کنند و ابداعات و اختراعات رشد کنند؟

۱۱- چرا به سرمایه انسانی و صاحبان آن ارج لازم داده نمی‌شود و بازده سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی برابر بازده سرمایه‌گذاری در سایر رشته‌های سودآور نمی‌گردد؟ اگر در مملکتی دلال، درآمد کلان داشته باشد ولی استاد دانشگاه و محقق و نویسنده درآمد زیر خط فقر داشته باشند، نسل جدید به علم تشویق نمی‌شود و روزبه‌روز طبقه انگل گسترده و مغز جامعه کوچکتر می‌شود.

۱۲- چرا سرمایه‌گذاری در برج‌سازی‌ها انجام می‌شود ولی فکری برای الگوهای اسلامی متناسب شرایط اقلیمی ایران جهت مسکن تجویز نمی‌شود؟

۱۳- چرا سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه صنایع زیان‌ده مونتاژ همچنان ادامه پیدا می‌کند و پژو و هوندا و پراید و ده‌ها اسم جدید دیگر کنار پیکان قرار می‌گیرد؟

۱۴- چرا انقلاب علمی نمی‌شود و به علم و دانش و اختراع و اکتشاف توجه واقعی و جدی و تشویق اساسی مبذول نمی‌گردد که صنعت ایران از حالت کیپی‌برداری بیرون آید؟

۱۵- چرا محتوای علمی دانشگاه‌ها درون‌زا نمی‌شود - خصوصاً در زمینه علوم انسانی - و همچنان کیپی‌برداری از کتب بیگانگان کار اصلی اساتید شده است؟

۱۶- چرا باید نیروهای متخصص و مدیران لایق، بیکار باشند و این سرمایه‌های ارزشمند به هرز رود؟

۱۷- چرا سرمایه‌های سرگردان به راه‌های تولیدی صحیح هدایت نمی‌شود و در این مسیرهای ربوی سرگردان مانده است؟

۱۸- چرا فرصت‌های اشتغال مناسب در شهرک‌های کشاورزی صنعتی برای خیل عظیم بیکاران ایرانی به‌وجود نمی‌آید؟

۱۹- چرا به‌طور جدی به بیکاری پنهان در ادارات پرداخته نمی‌شود و ساختار اداری مناسب با الگوی اسلامی تحول پیدا نمی‌کند؟

۲۰- تورم ایران دارای چه ریشه‌هایی است و

برای حل آن چه حق‌هایی باید شناخته شود؟

۲۱- چرا درآمد سرانه ایرانی این قدر پایین است؟ راه‌های ارتقای آن چیست؟

۲۲- چرا برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی به‌گونه‌ای است که وقتی محصولی به تولید می‌رسد یک‌باره با وارد کردن محصول مشابه خارجی، تولیدکننده را ورشکسته می‌سازد و در طول صدسال گذشته همواره تولید باید در این مملکت کتک بخورد و سیستم توزیع و وارد کردن و فروختن دست به دست کالا و دلالی، حلوا نوش جان نماید؟

۲۳- چرا باید حتی محصولات کارخانجات دولتی با چنان سیاست‌های ارزی و غیره روبه‌رو شود که زیان دهد و مجبور به تعطیل گردد.

## چرا باید تنها از یک ششم

### زمین‌های قابل کشت در مملکت

### استفاده شود و سیاست‌هایی

### پیش گرفته شود که مهاجرت از روستاها

### به شهرها همچنان ادامه یابد

### و روز به روز از کار کشاورزی کاسته گردد؟

۲۴- چرا باید سیاست‌گذاری‌های ارزی به‌گونه‌ای باشد که مثل تلمبه منافع ایرانی را به خارج منتقل سازد، به‌گونه‌ای که حتی تورم داخلی تحت فشار تغییرات نامتناسب نرخ ارز لجام گسیخته گردد؟

۲۵- چرا باید شرکت‌های سرمایه‌گذار دولتی، و بخش عمومی به علت سیاست‌گذاری‌های غیرملی و غیرمردمی غلط یا به تعطیل و توقف و تحمل خسارات مالی، اجتماعی و حیثیتی و اقتصادی و کشوری تن در دهند یا در صورت ضرورت ادامه و اجرای کامل طرحشان، پرداخت مابه‌التفاوت را بر بودجه دولت بار کنند. یا... به افزایش غیرعادی بهای محصولات خود اقدام نمایند؟

برای شناخت پیدا کردن به 'حق‌ها' در بخش اقتصاد کلان، می‌توان صدها سؤال در همین زمینه‌ها به صورتی بسیار دقیق و جزئی‌تر مطرح نمود و تحقیقات وسیع در کشف علل و مشخصات و راه‌های عمل به حق‌های مذکور را پیدا نمود.

### ۳- تقوای توسعه‌های

ششمین سؤال اساسی علم اقتصاد این است که ظرفیت تولید اقتصاد چگونه است، افزایش یابنده،

کاهش یابنده یا ایستا؟

این سؤال مربوط می‌شود به رشته‌ای از علم اقتصاد به نام توسعه و رشد. توسعه اقتصادی یعنی استفاده از آخرین تکنولوژی درون‌زا در تولید، توزیع و مصرف. رشد اقتصادی یعنی افزایش تولید ملی در یک‌سال نسبت به سال قبل. مثلاً می‌گویند انگلستان از آخرین تکنولوژی در تولید صنعتی و کشاورزی استفاده می‌کند و بسیاری از کشورهای آفریقایی در تولید زراعی خود هنوز از گاواهن استفاده می‌کنند که یک تکنولوژی قدیمی در این زمینه است.

در انگلستان تکنولوژی تولید درون‌زا است، ولی همین تکنولوژی برای ایران برون‌زا محسوب می‌شود، یعنی ما قطعات یدکی (همه یا بخشی از آن) را از خارج وارد می‌کنیم و این به‌گونه‌ای است که اگر در محاصره اقتصادی یا در یک تضاد منافع سیاسی و غیره قرار بگیریم و قطعات مذکور را به دست نیآوریم، توسعه به ضد خودش تبدیل می‌شود، به رشد نمی‌انجامد و تولید ملی کاهش پیدا می‌کند. از این جهت می‌گوییم توسعه اقتصادی باید درون‌زا باشد تا به رشد اقتصادی منجر گردد....

حق‌ها در زمینه اقتصاد توسعه بسیار زیاد است که دولت باید با بسیج دانشمندان این رشته، ابتدا حق‌ها را شناسایی کند و سپس شرایط تحقق آن‌ها را فراهم آورد.

تاکنون مدل‌های توسعه نیز وارداتی بوده است. در زمان شاه مدل توسعه ایران، مدل جانشین‌سازی واردات بود. به این بیان که برای صنعتی شدن به‌جای وارد کردن تراکتور و اتومبیل و تلویزیون و غیره، قطعات یدکی آن‌ها را از خارج وارد کنیم و آن‌ها را سر هم کرده مونتاژ نماییم. تنها راه توسعه واقعی ایران، رسیدن به یک الگوی توسعه درون‌زا است که آن هم بدون انجام یک انقلاب علمی و بسیج تمامی امکانات برای داشتن اختراعات و اکتشافات متناسب با شرایط ساختاری ایران و استفاده از آن‌ها در تولید و توزیع و مصرف امکان‌پذیر نمی‌باشد. تا زمانی که احساس حقارت علمی در این مملکت وجود دارد و وابستگی علمی و تکنولوژیک به خارج راه اساسی پیشرفت تلقی می‌شود، باید منتظر توطئه‌های اقتصادی و درجا زدن‌ها و عقب‌گردهای توسعه‌ای بود.

متأسفانه قبول مدل‌های توسعه اقتصادی غربی که در طی دو برنامه عمرانی دنبال شده سبب گردیده است فرهنگ غربی چسبیده به تکنولوژی غربی نیز وارد کشور شود و باز هم متأسفانه مسئولین امر به‌جای توجه به علت، معلول را مورد توجه قرار داده، ورود فرهنگ مبتذل غربی



را به نام تهاجم فرهنگی آماج حملات خود قرار داده‌اند. غافل از این که این کار، رنگ زدن برگ زرد درختی است که ریشه‌های آن کرم‌زده شده است.

بنابراین برای بالا بردن روحیه مذهبی و تقویت باورهای مذهبی باید از تکنولوژی درون‌زا و از الگوهای توسعه‌ی درون‌زا استفاده کرد تا کشف هویت ایرانی سبب گردد به هویت فرهنگی خویش نیز که باورهای مذهبی بخشی از آن است نیز ارج گذاریم.

حق‌ها در این بخش بسیار است که در کشف آن‌ها توجه به سؤال‌های زیر به‌عنوان گام اول و نمونه‌هایی برای راه‌کارهای تحقیقاتی مفید است:

۱- انقلاب علمی دارای چه ابعاد و چه اجزایی است؟

۲- رابطه سرمایه واقعی (کارخانه، آپارتمان، پول) و سرمایه انسانی (داشتن تخصص و علم و هنر) چیست؟

۳- تکنولوژی مناسب ایران در زمینه‌های مختلف چیست؟

۴- توسعه اقتصادی ایران از طریق گسترش صنایع کشاورزی بهتر است یا از طریق گسترش صنایع تولیدی مصرفی؟ به عبارت دیگر در ایران اولویت توسعه باید به کشاورزی داده شود یا به صنعت؟

۵- رابطه امپریالیسم مسلط جهانی یا توسعه درون‌زا چگونه است و راه‌های مبارزه با توطئه‌های آن چیست؟

۶- گسترش شهرک‌های صنعتی درست‌تر است یا شهرک‌های کشاورزی صنعتی؟

۷- ایران باید ابتدا صادرکننده محصولات صنعتی باشد یا صادرکننده محصولات زراعی؟

۸- جایگزین نفت به‌عنوان منبع ارزآفرین چیست؟

۹- تخصیص ارز حاصل از صادرات براساس چه اولویت‌هایی باید مشخص گردد؟

۱۰- بین حق‌های موجود در سؤالات فوق و سایر سؤالات توسعه‌ی چه روابط متقابل وجود دارد؟

### بی‌تقوایی‌های توسعه‌ی

همان‌طور که مذکور افتاد، بی‌تقوایی‌های اقتصادی و از جمله بی‌تقوایی‌های توسعه‌ی، سبب می‌گردد که ایمان قلبی مردم ضعیف شود. متأسفانه در حکومت جمهوری اسلامی بی‌تقوایی‌های توسعه‌ی شدت گرفت به این بیان که در زمان شاه این بی‌تقوایی‌ها وجود داشت ولی به نام اسلام به مردم تحمیل نمی‌شد.

مردم خون دادند، کشته شدند و شهید دادند تا نظام قسط و عدل و بدون تبعیض اسلامی پیاده شود. اسلام محمد(ص) و علی(ع) که همین روحانیت برایشان شرح داده بود و در سخن، قول

می‌داد که اگر حکومت به‌دست ما بیفتد آن را پیاده خواهیم کرد. نه اسلام عمر و ابوبکر و عثمان و وجه تمییز حکومت علی(ع) را وجود عدل می‌دانستند که حضرت علی(ع) به علت شدت عدلش شهید شده است و از این‌گونه مطالب و مردم شیفته عدالت و سرخورده از ستم شاهان به آن‌ها اعتماد کردند و به امید حکومتی عدالت‌آمیز شهید دادند. اینک اوضاع اقتصادی و سیاسی بسیار ظالمانه‌تر از گذشته مردم را زیر ضربات فقر و اختناق و شکنجه و اعدام قرار داده است، لذا امیدشان به یأس تبدیل شد و در کوچه و بازار، پاره‌های آرزوی روزهای طلایی!! شاه را دارند، در حالی که آن روزها چندان هم خوب نبود. ولی [آنچه باعث قوت گرفتن این‌گونه پندارها شده است، عبارت است از: عدم حمایت تولید و ورشکست کردن سرمایه‌گذاران داخلی که کالاهای مصرفی مشابه خارجی تولید می‌کردند به نفع تولیدکننده خارجی، فراری دادن منزها و استعدادهای کشورهای امپریالیستی و تهمی‌سازی ایران از سرمایه‌های انسانی خود به بهانه‌هایی مثل ما به غرب‌زدگان نیازی نداریم و با وسایل دیگری مثل ایجاد مزاحمت‌های مختلف حتی در چهار دیواری منزل‌ها، عدم رابطه بین مطالب علمی دانشگاه و مشکلات داخلی ایران، وجود کنکور و محروم ساختن استعدادهای فراگیری همین دانش دست و پا شکسته و...]

### ناحق‌های توسعه‌ی در ایران

اگر منکرات یا ناحق‌های توسعه در ایران را بدانیم، با اجتناب از آن‌ها می‌توان موانع توسعه‌ی مربوط به شناسایی حق‌ها و اجرای تقوایی اقتصادی در زمینه توسعه را از پیش پا برداشت.

[برخی از این ناحق‌ها عبارتند از:]

- وجود اقتصاد شبه سرمایه‌داری وابسته نفتی.

- شرک بازار پول، دوگانگی و چندگانگی بازار پول و سرمایه.

- وجود صنایع مونتاژ زیان‌ده وابسته به خارج.

- وجود سیستم مالیاتی غربی که راه فرار از مالیات در آن بسیار زیاد است، به علت عملکرد دولت‌های جهان سوم در رابطه با قدرت‌های مسلط جهانی.

- سیاست اقتصادی درهای باز و ایجاد مناطق آزاد اقتصادی مثل جزیره کیش و قشم.

- سیاست استقراض از خارج.

- تبعیت از سیاست‌های دیکته شده صندوق بین‌المللی پول.

- برنامه‌های توسعه‌ی که مبتنی بر آمارهای واقعی نیستند و بیشتر آمارها با دست‌کاری‌هایی در آمارهای گذشته به‌دست می‌آید.

- عدم توجه به توازن در توسعه و جلو بردن توسعه وابسته صنعت و بی‌توجهی به بخش

زراعی و علمی و تحقیقاتی.

- عدم وجود یک سیستم اقتصادی مناسب با شرایط اقلیمی و عقیدتی دینی ایران.

- عدم وجود رابطه بین واقعیت‌های اقتصادی در کشور و محتوای کتب درسی اقتصادی در دانشگاه‌ها.

- تشویق مشاغل دلالی و واسطه‌گری و ایجاد موانع ورشکست ساز در امر تولید ملی.

- عدم وجود وفاق ملی و رابطه صمیمی و صادقانه بین مردم و حاکمیت در جهت اجرای راه‌کارهای اقتصادی حاکمیت.

- عدم وجود کانال‌های توضیحی اقتصادی به مردم، مثل عدم امکان استفاده روشنفکران از تلویزیون و عدم وجود آزادی بیان و قلم.

- عدم رشد فکری لازم در حوزه‌های علمیه که امکان همخوانی فقها با سیستم قرن بیست‌ویکمی اقتصاد قسط‌آمیز را فراهم سازد.

- وجود روحیه و روش مدرک‌گرایی به‌جای مطلب‌گرایی در مراکز علمی و دانشگاهی و ترجیح مدرک خارجی بر داخلی خصوصاً در زمینه علوم انسانی.

- عدم وجود رابطه صمیمانه بین مردم و دولت، وقتی کانال‌های استعمار و استعمار و تلمبه‌شدن منافع مردم به خارج توسط دولت حفظ و نگاه‌داری شود و در نتیجه مردم فقیر شوند و در انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پا

بزنند، کینه دولت را به دل می‌گیرند و چون به آن اعتماد ندارند لذا نتنها در اجرای برنامه‌های اقتصادی دولت صمیمانه همکاری نمی‌کنند که هیچ، کارشکنی هم می‌کنند و این را یک نوع مبارزه ملی و دینی تلقی می‌کنند و لذا توسعه حتی درون‌زا (چه رسد به برون‌زا) زمینه تحقق پیدا نمی‌کند.

- اشتباه گرفتن فقرزایی با فقرزدایی و استفاده از نهاد صدقه در مسیر گداپرووری و نه در مسیر ریشه‌کن نمودن فقر از کانال ایجاد اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها که سبب گسترش دوستی و وفاق ملی شود و صدقه در آن صدیق بسازد.

- استفاده از درآمد فروش نفت (تمام‌شدنی) برای ارضای الگوی مصرفی وارداتی به‌خاطر اجتناب از آشوب‌های سیاسی و تهمی کردن کشور از منابع زیرزمینی نفت، اورانیوم، مس، گاز و...

در همین راستا در حالی که این منابع باید در راه ایجاد اقتصاد قسط‌آمیز خودکفا و پایا در چارچوب تقوایی اقتصادی که شرح آن در سطور قبل آمد به کار گرفته شود. شاید این بی‌تقوایی که تحمیل ناحق‌ها به نسل‌های بعد نیز می‌باشد، گناهِش (زیانش) بیش از هر بی‌تقوایی دیگر سبب تضعیف باور مذهبی این نسل و نسل‌های بعد می‌شود.

